

# نکته ها در بیانات اعلیحضرت

## در رابطه با انتخابات

امیرفیض- حقوقدان

اعلیحضرت در رابطه با انتخابات جمهوری اسلامی (غاصب) با رادیو فردا مصاحبه ای داشته اند که نقد نکته های شاخص آن ممکن است در تکلیف (منطوقی) این تحریر قرار داشته باشد.

ضرب المثلی داریم که میگوید کسی که اسب زین کرده خودش را دارد الاغ چموش کرایه ای را سوار نمیشود. درحالیکه اعلیحضرت افق زین کرده خودشان را دارند چه شده که با رادیو فردای وابسته به آمریکا مصاحبه فرموده اند که چموش گری های این الاغ کرایه برکسی پنهان نیست.

### و اما بعد چند نکته از نکته ها

✓ مهمترین نکته توجه برانگیز این است که در مصاحبه مزبور حتی یکبار نام شورائی که اعلیحضرت رئیس آن هستند بمیان نیامد و بادقت در گفتگوی آجی نازیلا با خانم ایمانی که قبلا مورد بحث قرار گرفت میتوان به دریافت هائی رسید که در مسیر این تحریر قرار ندارد.

✓ در این مصاحبه سه نوبت به علت تحریم انتخابات اشاره فرموده اند که در جمله زیر میتوان آنرا پیاده دانست <ایران باید در قالب مطالبات حد اکثری پیگیری شود نه مطالبات حداقلی>.

نخستین ملاحظه ای که با آن روبرو هستیم، این خواست ویا ادعای اعلیحضرت، کاملا در سخنان گذشته و مراحل اعتراض ایشان به جمهوری اسلامی بی سابقه است و اگر اشتباه نکنم برای اولین بار است که در این مصاحبه مصرف شده است؛ و بررسی های سطحی نشان میدهد که این عبارت مورد علاقه و استفاده اعلیحضرت ناشی از اشاره آن در اظهارات شیخ حسن است که برای فریب مردم به آن متوسل شده است. سراسر برنامه امید و تدبیر شیخ حسن از ملحقات همین شعار است، اظهارات اخیر او در مورد دفاع از خرید هواپیمای ایرباس نمونه دیگری است که گفت ملت ایران لیاقت استفاده از بهترین سیستم های هوایی جهان را دارد.

✓ خواست اعلیحضرت مبنی بر اینکه ایران باید در قالب حداکثری پیگیری شود نه مطالبات حداقلی یک نظریه اقتصادی است که شامل منافع ایران در سطح جهانی و سطح داخلی است و ارتباطی به شرکت ویا عدم شرکت در انتخابات ندارد.

تشریح برنامه اقتصادی اعلیحضرت بر این منوال است که اقتصاد دانان و مسئولین کشور با توجه به امکانات کشور و شرائط اقتصادی جهان و سایر مراتب و عهدنامه های بین المللی که باید رعایت شود آیا

میتوانند که موضع دولت را در حداکثر مطالبات و حقوق جهانی ویا مردم قرارداد ویا باید بتدریح و با رعایت شرائطی آنرا متحول ساخت.

بهرحال ابا این توقع و اعتراض، به تصمیم عدم مشارکت در انتخابات منتج نمیشود و برعکس میتواند از مراتب مشارکت در انتخابات به حساب آید زیرا انجام این مهم با حرف ممکن نمیشود و باید در مقام مسئولیت قرار گرفت و آنرا از قوه به فعل درآورد و اگر مردم معتقد باشند که دولت قادر به تامین حداکثر منافع آنها نیست باز هم در انتخابات شرکت میکنند که دولت مورد نظر خود را به حکومت برسانند.

خواسته اعلیحضرت تداعی میکند مثال <نشستن بیرون گود و فریاد لنگش کن را> فریاد لنگش کن را همه میتوانند بزنند ولی چشمها به سوی کسانی است که در داخل گود هستند و بیشتر متوجه کسی است که سابقه لنگ کردن (مبارزه) رادار است. کسی که از تکلیف قانونی خود در مبارزه مستنکف است و به اعتراف خودش درسی سال گذشته هیچ کاری برای نجات کشورش نکرده، چگونه انتظار دارد مردم به ندای لنگش کن او اعتبار بدهند.

✓ شاخص خواست اعلیحضرت بشرح بالا که سنگینی مفهوم مصاحبه را در بردارد واجد این معناست که اگر دولت شیخ حسن <ایران رادرقالب مطالبات حداکثری پیگیری کند نه مطالبات حداقلی> اعلیحضرت دیگر اعتراضی ندارند. آیا تمام تلاش ۳۷ ساله ایرانیان فقط برای طرح و ادعای همین صحبتهاست و سوگند نهم آباماه اعلیحضرت متضمن همین هدف بوده است؟ آیا ۳۶ سال به مردم وعده های متکی به سوگند سلطنت را دادن واجد همین مفهوم است؟

## خنجر زدن از پشت

شعار و نظریه اعلیحضرت، قاطعانه قابل استفاده برای ایشان نیست زیرا تطبیق کننده ضرب المثل از پشت خنجر زدن است.

اعلیحضرت خودشان را در بالاترین موقعیت جنبش سبز قرارداد داده بودند ویا استفاده از عبارت <هرکس میخواهد از روی جنبش سبز عبور کند باید از روی من عبور کند> عالیتترین نمونه وفاداری و پشتیبانی را از جنبش سبز نشان دادند ویا استفاده از علامت سبز شاخص ترین ایرانی در داخل و خارج از کشور بودند که معرف حقانیت! آن جنبش شدند. اکنون همان جنبش سبز در نام اصلاح گرایان بار سنگین انتخابات را بدوش گرفته است خاصه که ایشان در مصاحبه سال ۹۱ آفق امریکا (دهقان پور) فرمودند:

حرسالت امروز ماصرف نظر از عقاید و طریقه ها آغاز یک حرکت نهائی قوی برای آزادی صلح و رفاه و سر بلندی ایران زمین است و من نیز به سهم خود حاضرم با همه نیروهای همفکر نهائیت همکاری را بنمایم (نیروی همفکر همان جنبش سبز و اصلاح طلبان است که اعلیحضرت تمام عیار خود را سپرد فاع جنبش سبز معرفی فرمودند).

برقاعده قضاوت عمومی، اعلیحضرت نمیتوانند طرح شرکت در انتخابات را که به تائید و استقبال عموم اصلاح گرایان (جنباً سبز) رسیده و مورد عمل است رد کنند و بجای آن تحریم انتخابات را بیاورند این را در اصطلاح میگویند از پشت خنجر زدن.

✓ اعلیحضرت در مصاحبه با صدای آمریکا سه شرط برای مبارزه خودشان قائل شدند یکی این بود که (طرح از درون تایید شود) و دیگری (با خرد جمعی باشد).

آیا تحریم انتخابات و یا شرکت در انتخابات، کدامیک طرحی است که از درون ایران تائید شده است؟ اعلیحضرت در همین مصاحبه چند بار فرمودند تحریم نظر خود من است پس تحریم انتخابات با خرد جمعی نبوده است و این تا آنجا نمایان است که حتی شورای تجزیه طلبان نیز با نظر اعلیحضرت هماهنگ نبوده است.

توضیح اینکه آجی نازیلا در نمایش با خانم امانی چند روز قبل از هفتم اسفند مدعی شد که شورا در نظر دارد یک گفتگویی بین ابوشریف (آقازمانی) و خانم امانی براه بباندازد و مراسم شورا را نقد کند تا ایرانیان خودشان برای شرکت در انتخابات تصمیم بگیرند و این وعده سرخرمن با تصمیم تحریم انتخابات از ناحیه رئیس شورا هماهنگ نیست. (پایان توضیح)

✓ آیا اعلیحضرت میتوانند مطمئن باشند که در بین گروه عظیم داوطلبین اصلاح گرایان که مورد تائید شورای نگهبان هم قرار گرفته حتی یک نفر نیست که خواهان حداکثر مطالبات مردم ایران باشد؟ این ممکن است از باب قیاس بنفس درست باشد والا چنین تصویری توهم است بنابراین تحریم انتخابات از سوی شخص اعلیحضرت به معنای تحریف هدفی است که بیان میفرمایند والا گشایش هدف و خواست اعلام شده ایشان شرکت در انتخابات برای موفقیت همان یک یا افرادی است که هدف و خواست اعلیحضرت را دنبال خواهند کرد.

### مثالی آورده شود بحاست

اعلیحضرت هرکس را فارغ از هدف و خواست خودشان بدانند آجی نازیلا را نمیدانند (حسب تصور و قرآن).

بنابراین حق بود که از مردم میخواستند که به آجی رای بدهند درست است که آجی نازیلا مورد تائید شورای نگهبان نبود و نیست ولی او را مورد تائید جنبش سبز که بود و هست و دوم اینکه اعلیحضرت متهم به خلف وعده و رفیق نیمه راه نمیشدند و سوم اینکه گرچه رای به او در انتخابات بی اثر بود ولی واجد این معنا بود که اعلیحضرت در عمل متوجه میشدند که در چه منجلابی بنام شورای تجزیه طلبان گرفتار شده اند و چه اشخاص کوچک و بدنام و بد سابقه بر امور ایشان مسلطند و این آخری، واقعا موقعیتی بود که تاریخ در اختیار ایشان گذاشته بود که میتوانند استفاده از آن کلیه رفع مشکلاتی باشد که حالت اختاپوس را بخود گرفته است <زمان مستعد آزمایش است اگر انسان هوشیار باشد>.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - اعلیحضرت همیشه فرموده اند، «طرفداران من کسانی هستند که آنچه میگویم گوش کنند و عمل کنند» اگر نظر آبی نازیلا با آنچه اعلیحضرت میفرمایند در دو جهت مخالف است پس چطور آجی نازیلا از طرفدار هم آنطرفتر یعنی تعیین کننده خط مشی به حساب می آید. حسب تصور و قرآن. ح-ک

آیا رئیس شورای تجزیه طلبان میتواندست یک کاندید برای شرکت درانتخابات معرفی کند که مورد تائید حداقلی بسیارمحدود ویا همفکرانشان درداخل کشور (اصلاح گرایان) باشد؟ آیا اصلا کسی دراطراف ایشان هست غیراز آجی نازیلا وپیرزاده واخیرا هم ابی آوازه خوان ضد ایران.

### نظر به نیست به تحریم انتخابات

تصمیم اعلیحضرت به تحریم انتخابات در رابطه با علت و سبب تحریم قابل ارزیابی است.

نظربه اینکه تحریم انتخابات متضمن تبعات بنیادی است که از فرهنگ تاریخی و باورهای سنتی مردم الهام میگیرد.

و نظربه اینکه باورهای فرهنگی تاریخی مردم کشورهای جهان یکسان نیست وازباب مثال نمیتوان فرهنگ تاریخی آفریقای جنوبی ویا لهسان (مورد اشاره اعلیحضرت) معیارفرهنگ تاریخی و باورهای سنتی کهن ایرانیان قرارگیرد، (یکی ازفضلا گفته است؛ مسئولیت سنگین تراز آن است که بتوان آنرا با کلام جابجا گرد - مشروعیت همیشه مشروعیت است و غیرمشروع هم همواره غیرمشروع است - مشروعیت مرور زمان بردارنیست).

**حاشیه** = در فرهنگ تاریخی هیچ کشوری ویا قوم وملتى شعار خدا- شاه ومیهن ز فرهنگ روشنگر پربهاست - شعارچو فرمان یزدان چه فرمان شاه- شعارشاه است ودرارج پیغبراست - شاه سایه خداست وامثال آنها دیده نمیشود بنابراین تمسک به فرهنگ کشورهای دیگر از جمله آفریقای جنوبی قابل قبول فرهنگ ایرانیان نیست. (پایان حاشیه)

لذا- تحریم انتخابات بدون تحریم و سلب مشروعیت از جمهوری اسلامی یک عمل منطوقی (حرفی است) و متاثر از آثار تحریم نیست؛ تحریم یعنی حرام دانستن، حرام ویا منع ویا محکوم کردن متوجه اصل و تبعات است نمیشود جمهوری اسلامی را تحریم نکرد و انتخابات آنرا تحریم کرد.

آری رای ندادن و تحریم انتخابات خوبست ولی بشرطی که در رابطه با علت عدم مشروعیت جمهوری اسلامی باشد نه اقدامات آن رژیم غاصب.

### ادعای مشروعیت

در بیانات اعلیحضرت در چند مورد به مسئله مشروعیت اشاره شده است از جمله:

★ این ملاحظه در بیانات اعلیحضرت مشخص است که ایشان شرکت مردم را در انتخابات از اسباب مشروعیت جمهوری اسلامی میدانند و میفرمایند <تنها چیزی که رژیم به دنبال آن است ادعای مشروعیت است>

گرچه تمسک اعلیحضرت به مبانی مشروعیت خلاف فرهنگ تاریخ و باورهای کهن ایرانی و دین اصل ایرانی (میترا و یا زرتشت) و اسلام که اقتباس از زرتشت است فاقد اصالت است معهذاً بیان ایشان فاقد مبانی مستحکم و نظرات قبلی خودشان است.

زیرا خود ایشان در مصاحبه با رادیو فردا در سال ۱۳۸۶ در مقابل سوال مصاحبه کننده مبنی بر اینکه آیا تغییر رژیم ایران به بهای مداخله خارجی قابل قبول است و آیا چنین رژیمی دارای مشروعیت کافی خواهد بود؟

اعلیحضرت میفرمایند: <اگر رژیمی که روی کار میاید بر اساس خواست مردم باشد مشروعیت لازم را کسب میکند>

رژیم نامشروع جمهوری اسلامی به حمایت و برنامه ریزی مستقیم خارجی برای ایران ما تحمیل شد و مردم نادان و قشری مذهب هم به اعتبار مذهب و عوامل آمریکا و انگلیس در همه پرسى، آن جمهوری نامشروع را تائید کردند پس بزعم اعلیحضرت جمهوری اسلامی دارای مشروعیت هست و دیگر بحث اینکه رژیم دنبال کسب مشروعیت است درست نیست.

★ میفرمایند <اگر خودم بدست خودم بیایم و به این رژیم مشروعیت بدهم دیگر چه اعتراضی دارم و جواب پدرمختاری و مادر سعید زینالی را چگونه بدهم>

ایکاش اعلیحضرت تا این حد که میفرمایند به مسئله مشروعیت اهمیت قائل بودند متاسفانه ایشان در طول سالهای گذشته بکرات نه تنها با بیان خودشان به جمهوری اسلامی مشروعیت داده اند بلکه با تشویق مردم به شرکت در انتخابات (تنهاراه شرکت در انتخابات است) قافیه اظهارات در این مصاحبه را باخته اند و نه تنها نزد پدر و مادرمختاری و زینالی بلکه در مقابل پدرتاجدار خودشان و تمام مردم ایران و تاریخ و نیاکان احساس شرمساری خواهند داشت و این موضوعی است که خودایشان فرموده اند.

یکی از تاسف انگیزترین حالت های حاکم بر مبارزه ما همین ایجاد مشروعیت جمهوری اسلامی از جانب اعلیحضرت است که به طرق مختلف و در آخرین مرحله با نامه کتبی شورای تجزیه طلبان در کنارتائید مشروعیت جمهوری اسلامی مسئله بیعت با سید علی رهبر! جمهوری اسلامی هم حل شده است

### مجلس

اظهار تاسف فرموده اند که <جمهوری اسلامی ۳۷ سال پیش مجلس شورایی را منحل کرد>.

کسی که شورش ضد ایرانی را تائید و مخالفان آنرا به نادانی تحقیر میکند چگونه میتواند از عمل جمهوری اسلامی در انحلال مجلس شورایی اظهار تاسف کند؟ آیا تائید شورش ۵۷ میتواند با بقای مجلس شورای ملی همراه باشد؟<sup>۲</sup>

۲ - اعلیحضرت نمی فرمایند رژیم آخوندی ۳۷ سال پیش نظام پادشاهی را که پدر و پدر بزرگشان یکی از والاترین نگاهبانان آن بوده اند را منحل کرده است و بایستی بازپس گرفته شود و تنها به مجلس اکتفا میفرمایند. ح-ک

کسی که قانون اساسی مشروطیت را یک قلم به کنار گذاشت چگونه میتواند از عمل جمهوری اسلامی در انحلال مجلس شورای ملی اظهار تاسف کند؟

اعلیحضرت در مصاحبه با رادیو تلویزیون پارس (شجره) در سال ۱۳۸۱ میفرمایند <قانون اساسی سال ۱۹۰۶ امروز از نظر فکتوآل میتواند مورد بحث تئوریک باشد مادر عمل امروز با قانون اساسی جمهوری اسلامی سروکار داریم.>

بنابراین این جمهوری اسلامی تنها نبود که قانون اساسی مشروطیت را کنار زد اعلیحضرت هم همان کار جمهوری اسلامی را تائید و مرتکب شدند با این تفاوت که اعلیحضرت بیان حقیقت فرموده بودند که

<آنها که قانون اساسی ایران را پاره کردند سند موجودیت ایران را پاره کردند>

(مشروح درسنگر ۱۵۷+۳۳۲)

اجازه فرمائید بایک مثال تشبیهی به این فصل پایان داده شود:

کسی امانت دار مقدار قابل توجهی اسکناس رایج است که قرنها محل اعتبار عمومی بوده است یک عده ای متجاوز بر حکومت مسلط میشوند و آن اسکناس رایج را بی اعتبار میکنند و اسکناس های تازه ای رواج میدهند آیا وظیفه آن امانت دار اسکناس ها این است که او هم به تاسی از متجاوزین اسکناس های امانی را به اشغال دانی بریزد یا آنرا مبنای حق مسلم امانت قرار دهد.

در کمال تاسف اعلیحضرت که امانت دار سلطنت و قانون اساسی بودند با قانون اساسی همان کردند که متجاوزین به قانون اساسی کردند و این در حالی بود که بتکلیف امانی خود نسبت به قانون اساسی آگاهی کامل داشتند و اتیان سوگند ادا فرموده بودند.

**<من به اعتبار مسئولیتی که پذیرفته ام و به اقتضای تکلیفی که بخواست اکثریت عظیم هموطنانم برای اعاده و تنفیذ قانون اساسی مشروطیت بردوش گرفته ام نقش انکارناپذیر و غیر قابل اجتنابی دارم.>**

قوی ترین سند ابطال قانون اساسی بوسیله اعلیحضرت میثاقی است که بنام میثاق با مردم در اول بهمن ماه سال ۱۳۸۱ منتشر شد که سنگراول اسفند ماه همان سال تحت عنوان <عقب نشینی زیر صفر> آنرا نقد کرد.